

### هلاکت عامل شهادت مامور

فرمانده انتظامی سیستان و بلوچستان از هلاکت عامل شهادت ستوان دوم شهید حمید سلطانی نژاد خبر داد. سردار دوستعلی جلیلیان در این باره به سایت پلیس گفت: ستوان دوم حمید سلطانی نژاد، از پلیس مبارزه با مواد مخدر شهرستان هیرمند، در درگیری با قاچاقچیان به شهادت رسید. مأموران، مخفیگاه عامل این جنایت را شناسایی و با هماهنگی لازم به محل اعزام شدند که قاتل با مشاهده مأموران، اقدام به تیراندازی به سمت آنها کرد و در اقدام متقابل، پلیس او را که عامل شهادت ماموری بود به هلاکت رساند.

#### گفت‌وگو

## عشق آیفون ۱۳ بودیم

**قوی هیکل است اما به زور سنش به ۲۰ سال می‌رسد. تمام تلاشش این است که صورتش را با دو کف دست بپوشاند تا چهره‌اش در مقابل دوربین‌های فیلمبرداری و عکاسی معلوم نشود. فکر نمی‌کرد فیلم سرقت‌شان در شبکه‌های اجتماعی منتشر شود. با دیدن فیلم به وحشت افتاده و راهی محمودآباد شدند. قصد داشتند اگر آب‌ها از آسیاب نیفتاد از کشور فرار کنند.**

#### چه شد تصمیم به سرقت گرفتید؟

سرکرده باند که پدرام نام دارد هنوز دستگیر نشده. او این گروه را تشکیل داد. همه مایچه محل هستیم و در پارک بودیم که پدرام با حرف‌هایش و درآمد بالای سرقت، وسوسه‌مان کرد.

#### سابقه سرقت داری؟

نه اولین بار است به اتهام سرقت دستگیر می‌شوم. اهل دعا بودم اما سرقت نه.

#### چطور سرقت می‌کردید؟

چهار نفری و با موتورسیکلت‌های دو ترک در خیابان‌ها و اتوبان‌های شمال تهران پِرِسه می‌زدیم. در ساعاتی برای سرقت می‌رفتیم که ترافیک باشد. با دیدن گوشی آیفون رانندگان سراغ‌شان می‌رفتیم. اگر در قفل نبود سرقت را انجام می‌دادیم اما اگر به در بسته می‌خوردیم، بی خیال سرقت می‌شدیم.

#### هر روز سرقت می‌کردید؟

نه. هفته‌ای یک روز. در همین یک روز چند گوشی سرقت کرده و می‌فروختیم.

#### گوشی‌ها را چند می‌فروختید؟

متفاوت بود. اگر آیفون سرقت می‌کردیم حدود شش میلیون تومان. اگر سامسونگ بود، کمتر از این مبلغ. به همین دلیل فقط دنبال آیفون ۱۳ پرومکس بودیم و کمتر سراغ سرقت گوشی‌های دیگر می‌رفتیم.

#### چقدر گیرت آمد؟

حدود هشت میلیون تومان.

#### می‌ارزید؟

نه. من فکر می‌کردم بیشتر از این گیرمان بیاید.

#### در مورد روز سرقت در اتوبان صدر بگو.

صبح زود برای سرقت به شمال شهر آمدیم. ابتدا از خودرویی در نیاوران سرقت کردیم. بعد به اتوبان صدر آمدیم و با دیدن گوشی آیفون در دست راننده ال ۹۰ سراغ او رفتیم. در ترافیک از موتور پیاده شده و با تهدید چاقو گوشی را سرقت کردم.

#### کی فهمیدی فیلم سرقت منتشر شده؟

چند ساعت بعد در اینستاگرام دیدم. خیلی ترسیده بودیم و تصمیم گرفتیم مدتی تهران را ترک کنیم. به محمودآباد رفته و ویلایی کرایه کردیم. روز سوم ساعت ۶ صبح، در حال حرف زدن بودیم که مأموران بالای سرمان آمده و دستگیرمان کردند.

#### می‌دانی چه مجازاتی در انتظارت است؟

باید سارق را مجازات کرد اما نه مجازات سنگین. در حدی باشد که تنبیه شود.

#### همیشه چاقو همراه داری؟

نه پدرام قبل از سرقت به ما قرص کلونازپام و چاقوی داد تا قدرت بگیریم.

#### قصد فرار از کشور را نداشتید؟

به این موضوع فکر کرده بودیم اما خیلی زود دستگیر شدیم.



### دکشته در واژگونی اتوبوس



واژگونی اتوبوس در گردنه حیران منجر به مرگ پنج نفر و مصدومیت ۱۸ نفر دیگر شد. به گزارش روابط عمومی هلال احمر، واژگونی یک دستگاه اتوبوس در کیلومتر ۴۰ جاده نمین-آستارا به مرکز کنترل و هماهنگی عملیات هلال احمر اعلام و بلافاصله هشت تیم امدادی و واکنش سریع به محل حادثه اعزام شدند. آنها همزمان با حضور در محل حادثه متوجه شدند که ۱۸ نفر مصدوم و پنج نفر هم در محل تصادف فوت کرده‌اند. مصدومان به بیمارستان منتقل و بستری شدند.



**در گفت‌وگوی اختصاصی «جام جم» با زورگیران جنجالی تهران تشریح شد**

# ناگفته‌های خفت‌گیران صدر



مرد در اتوبان صدر با سلاح

سرد از راننده خودروی ال ۹۰ زورگیری کرده و با بلند شدن صدای شلیک گلوله از محل فرار کردند. بررسی‌ها نشان

داد، یکی از مأموران نظامی حاضر در محل سرقت برای جلوگیری از فرار سارقان اقدام به تیراندازی کرده بود. انتشار این فیلم در شبکه‌های اجتماعی باعث شد، دادگستری تهران برای دستگیری سارقان دستور ویژه صادر کند.

مأموران در نخستین گام به تحقیق از مالباخته پرداختند که او در تشریح ماجرا گفت: روز دانه در حال رفتن به محل کارم بودم. حدود ساعت ۸ صبح در ترافیک صبحگاهی اتوبان صدر، گوشی آیفون ۱۳ پرومکس

#### چقدر درس خواندی؟

دو کلاس خواندم و بعد به خاطر شرایط خانوادهم درس را رها کرده و در یک موتورسازی مشغول کار شدم.

#### چقدر درآمدت بود؟

درآمد ثابتی نداشتم. درصدی می‌گرفتم.

#### چه شد سراغ سرقت رفتی؟

به خاطر کار در موتورسازی از هشت سالگی سوار موتور می‌شدم و موتورسوار ماهری بودم. همین باعث شد پدرام از من بخواهد با او در سرقت‌ها همکاری کنم.

#### سابقه داری؟

چند ماه قبل به اتهام شش مورد گوشی قاچی دستگیر شده و به حبس

محکوم شدم. بعد از هشت ماه مادر بزرگم سند گذاشت و آزاد شدم اما باز هم سراغ گوشی قاچی رفتم.

#### زندان باعث نشد تنبیه شوی؟

الان تنبیه شدم و پشیمانم. باور کنبد این‌ کارها عاقبت ندارد. دیگر سمت سرقت نمی‌روم.

#### عدلیه

**گفت‌وگو با مرد همسرکش**

### زندگی‌ام را سوءظن نابود کرد

مرد میانسالی که همسرش را به قتل رسانده بود بعد از ۲۰ روز جدال با مرگ زنده ماند. متهم دیروز در تحقیقات اعتراف کرد به دلیل سوءظن همسرش را کشته است. به گزارش خبرنگار جام جم، دهم فروردین امسال زن میانسالی که بر اثر ضربه‌های چاقو در خانه‌اش در یکی از محله‌های شهرستان سمنان زخمی شده بود، در بیمارستان فوت شد. با تحقیقات اولیه از دختر ۱۲ ساله‌اش معلوم شد روز قبل میان والدینش درگیری رخ داده و پدرش ابتدا با ضربه‌های چاقو مادرش را کشته و بعد قرض برنج خورده بود که با انتقال به بیمارستان لقمان تهران زنده ماند.

همچنین مأموران از خانواده مقتول هم تحقیق کردند که معلوم شد داماد خانواده نسبت به همسرش سوءظن پیدا کرده بود و بارها با او درگیری داشته است و حتی به آنها گفته بوده یک روز ممکن است همسرش را بکشد. تحقیقات پلیسی ادامه داشت تا این‌که با گذشت ۲۰ روز از این ماجرا متهم زنده ماند و به هوش آمد.

دیروز بعد از مرخص شدن از بیمارستان به شعبه ششم بازپرسی دادسرای جنایی تهران منتقل شد و در تحقیقات گفت: به رفتارهای همسر سوءظن پیدا کرده بودم و سر این موضوع دعوا داشتیم. با شدت گرفتن درگیری، سرانجام او را با ضربه‌های چاقو کشتم و قرض برنج هم خوردم تا خودم هم بمیرم که نشد و زنده ماندم.

حسین گودرزی، بازپرس شعبه ششم دادسرای جنایی تهران با تأیید این خبر به جام‌جم گفت: با توجه به این‌که همسرکشی در شهر سمنان رخ داده، متهم برای تحقیقات به پلیس آگاهی سمنان منتقل شد.



#### خودکشی کردم اما زنده ماندم

درحاشیه جلسه این تحقیقات، فرصتی به خبرنگار ما دست داد تا با او گفت‌وگو کند که در ادامه می‌خوانید. شهرام ۴۷ ساله روی صندلی سالن دادسرا نشسته و مدام به دستبندش بازی می‌کند، دلش برای دختر ۱۲ ساله‌اش تنگ شده و فقط نگران آینده و زندگی‌اوست.

#### از زندگی‌ات بگو؟

کارمند یک شرکت در سمنان هستم. همسر هفت سال از من بزرگتر بود. با داشتن دو فرزند از همسرش جدا شده بود. ۱۴ سال قبل یکی از همکارانم او را به من معرفی کرد و ازدواج کردیم. خانواده‌ام نمی‌دانستند او سابقه ازدواج و دو فرزند دارد. ثمره زندگی‌مان دختری ۱۲ ساله است. فرزندان همسر هم ازدواج کرده‌اند و گاهی به ملاقات‌مان می‌آمدند.

#### دلیل اختلاف‌تان چه بود؟

اوایل شرایط زندگی‌مان خوب بود اما مدتی بعد اختلاف و رفتارهای عوض شد. ساعت‌ها با تلفن همراه مشغول بود. بدون اطلاع من بیرون می‌رفت و دیر بازمی‌گشت، مدام می‌گفت نزد خانواده‌اش یا فرزندانش رفته اما گاهی می‌فهمیدم که دروغ می‌گوید. سه ماه قبل از حادثه نزد خانواده‌اش رفتم و گفتم با او دچار اختلاف شده‌ام و اگر رفتارهایش را تغییر ندهد، یا خودم یا او را می‌کشم.

#### بعد هم او را کشتی؟

سه روز قبل از حادثه رفتم و قرض برنج خریدم تا مقابل چشمان زنم خودم را بکشم. قرض را زیر میل پنهان کردم. آن شب دوباره دعوی‌ام‌شان شد. بعد از دعاو خوابیدم اما ساعاتی بعد که بیدار شد دوباره دعوی‌مان را ادامه داد. عصبانی شدم و قرض برنج را خوردم، همان موقع هم از آشپزخانه چاقو را برداشتم و ضربه‌هایی به همسر زدم و بعد بیهوش شدم. روز ۲۰ روز بعد در بیمارستان به هوش آمدم.

#### حرف آخر؟

ای‌کاش دچار سوءظن نمی‌شدم تا این اتفاقات نیفتد. دلم برای دختر ۱۲ ساله‌ام تنگ شده و برای آینده او نگرانم.

#### محکمه

### بخشش؛ آخرین سکانس درگیری مرگبار ۲ رفیق

داشتند. درگیری آنها بر سر مسائل ناچیز بود و هر کدام می‌گفتند در محل باید حرف. حرف من باشد. به همین دلیل روز حادثه سامان با عماد قرار دعوآگاهشدند. سامان از من هم خواست همراهش بروم و من قبول کردم. در جریان درگیری نمی‌دانم چه شد که سامان با چاقو ضربه‌ای به عماد زد که سبب مرگش شد. در ادامه سامان دستگیر شد.در تحقیقات به قتل اعتراف کرد و گفت: من و عماد باهم رفیق بودیم و روز حادثه بر سر یک کل کل بچگانه درگیر شدیم. او با چاقو به من حمله کرد که چاقو را گرفته و با آن ضربه‌ای به سینه‌اش زدم. پس از تکمیل تحقیقات برای سامان به اتهام قتل کیفرخواست صادر و میلاذاز همدستی در قتل تبرئه شد. پرونده این جنایت برای رسیدگی به شعبه ۱۳ دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد. قبل از رسیدگی به این پرونده اولیای دم با حضور در دادگاه قاتل پسرشان را بخشیدند و به این ترتیب متهم از جنبه عمومی جرم پای میز محاکمه قرار گرفت.

در جلسه رسیدگی به این جلسه، متهم در دفاع از خود گفت: من و مقتول با هم دوست بودیم و یک اختلاف ساده باعث قتل شد. من



تعطیلی مدرسه در دام مرد شیطان صفت قرار گرفته بود.

بررسی دو شکایت نشان داد متهم مردی حدود ۵۰ ساله است که هر دو دختر بچه را از یک مدرسه فریب داده و سوار موتورسیکلتش کرده بود. او با شناسایی طعمه‌اش سراغ او می‌رفت و ادعا می‌کرد از طرف خانواده‌اش به دنبال او آمده و با توجه به سن و حرف‌هایش، دختر بچه‌ها به او اعتماد می‌کردند.

با توجه به حساسیت ماجرا، دستور قضایی برای دستگیری متهم قبل از اغفال سومین قربانی‌اش صادر و مأموران با اطلاعات مردمی و سرنخ‌هایی که از متهم داشتند به مردی ۵۱ساله رسیدند. سرهنگ مهدی جوکار، فرمانده انتظامی شهرستان فیروزآباد در این باره گفت: «مأموران به حساسیت نامحسوس اطراف مدرسه را زیر نظر گرفته و متهم را هنگام پرسه‌زنی در آنجا شناسایی و دستگیر کردند.»

وی با بیان این‌که متهم پس از تشکیل پرونده و تحقیقات مقدماتی برای سیر مراحل قانونی تحویل مراجع قضایی شد، این شاخه مرد میانسال را به عنوان متهم پیش‌روی مأموران قرار داد. درحالی‌که تحقیقات برای دستگیری متهم ادامه داشت، خانواده دختر بچه دیگری شکایت مشابهی را مطرح کردند. بررسی این شکایت هم نشان داد دختر بچه بعد از

#### نظمیه